

پیمان

شماره مسلسل ۱۳۴

سال دوازدهم

شهریورماه ۱۳۳۸

شماره ششم

عرفان و عقل در سیاست هند

«ولو هیچکس بندای شما در طلب یکی پاسخ ندهد»
«با اینحال، رو براه بگذارید. حتی تنها.»
«تاسور»

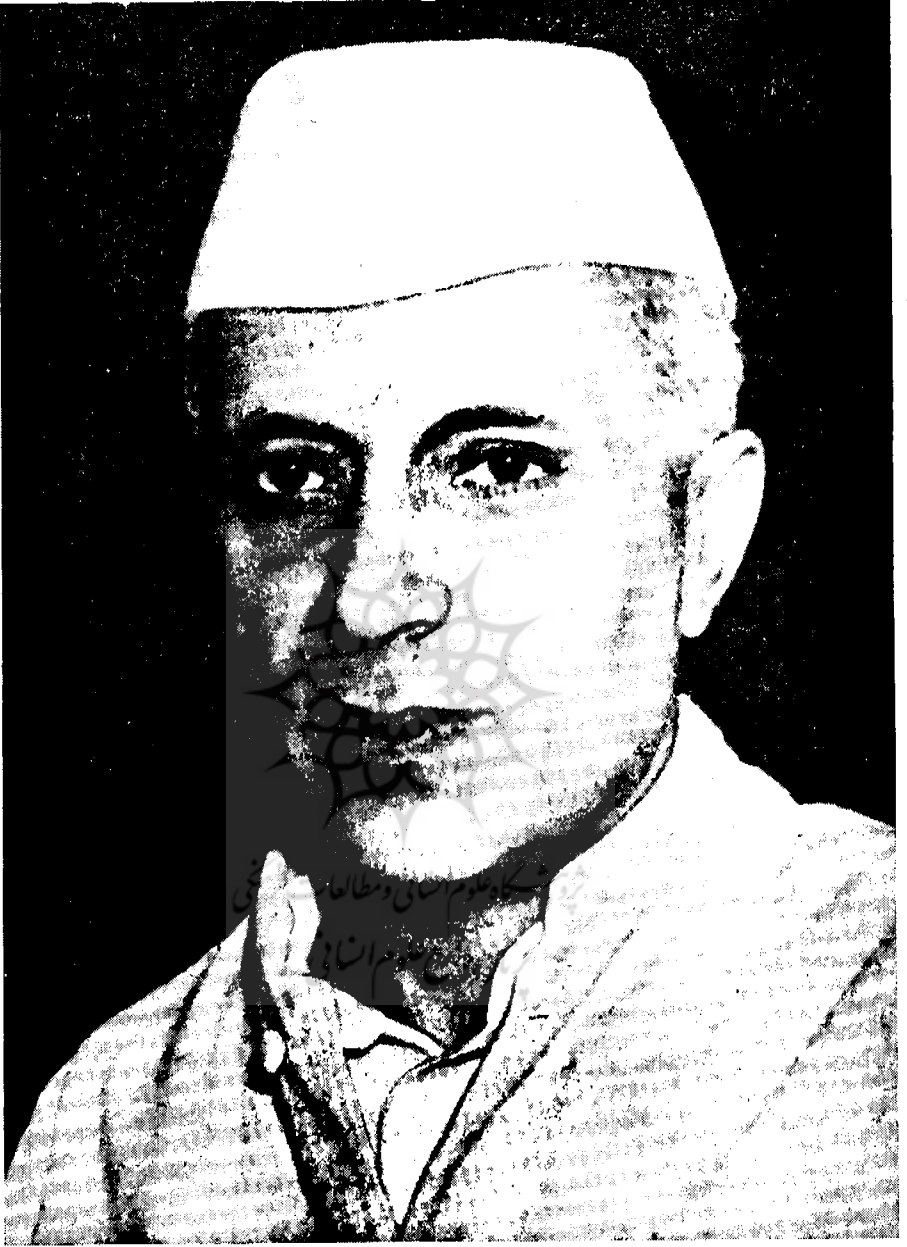
جوهر لعل نهر و میهمان کشور ایران خواهد بود. ما قدر این موهبت را می‌شناسیم و می‌دانیم که چه وجود عزیزی بر خاک کشور ما پای می‌گذارد. نهر و بهر کجا که رود مقدم او گرامی است، زیرا بهر کجا رفته است، پیام خیر و آزادی و صلح با خود همراه داشته است.

هند از روزیکه استقلال خود را باز یافته، نه تنها در بهبود وضع مردم خویش به توفیق‌هایی نائل آمده است، بلکه خدمات بزرگی به انسانیت نموده. هند، بیش از هر کشور دیگری در جهان، سرزمین معنویت است و از اینرو وجودش، خاصه در این روزگار که بشریت هر روز بیشتر از پیش از معنی دل برمی‌گیرد و به ماده عشق می‌ورزد، موجب دلگرمی و امیدواری است. هند در صحنه سیاست جهانی، روش خاصی در پیش گرفته، همانگونه که در گذشته نیز روش خاصی داشته است. سیاست

هند از منطقی سرد و حساب شده که تنها جنبه معامله داشته یا مبتنی بر خودخواهی و سودجویی و تعصب باشد، مایه نمی‌گیرد. سیاست او از عرفان و حکمت مشرق زمین چاشنی ای دارد و شاید بتوان گفت که سیاستی «عرفانی» است. هر چند این تعبیر عجیب بنماید. هند می‌اندیشد که پیامی با خود دارد و بار مأموریتی بر پشت اوست. گاندی، سالها پیش از آزادی کشور خود، نوشت «استقلال هند چشم انداز دنیارا در مورد جنگ و صلح تغییر خواهد داد؛ هند بیدار شده و آزاد، پیام نیکوکاری و عافیت برای جهان ناخشنود دارد». وقایع بعد، صحت این ادعا را تا اندازه‌ای با ثبات رسانید. چند سال پیش برتراندر اسل، فیلسوف انگلیسی، که از آینده جهان بینی در دل داشت، به اهمیت سیاست کشورهای نظیر هند اشاره کرد و از هند خواست که ضمیر جهانیان را نسبت به وحشت جنگ دیگری بیدار کند و آگاه سازد.

اکنون به بینیم سیاست هند چگونه است که گروهی آنرا آنهمه می‌ستایند و گروهی دیگر خیالی ورهمی و حتمی ریا آمیزش می‌خوانند. جواهر لعل نهرو سیاست را چنین می‌داند «سیاست باید با خصائل ملی و سنن و سوابق کشور هماهنگ باشد؛ از یکسو باید جنبه آرمانی داشته باشد، یعنی غایت و هدفی را دنبال کند، و از سوی دیگر باید بر واقع بینی متکی گردد. بدون جنبه آرمانی این الوقت می‌گردد، بدون جنبه واقع بینی از ثبات و تأثیر بی‌نصیب می‌ماند^۱». و در توجیه جنبه آرمانی سیاست خود از اصول یاد می‌کند، می‌گوید «در هر موردی که هند سیاست واقع بینانه و عملی را مغایر با اصولی بینند که بدانها پای بند است، آن سیاست را از دست می‌نهد، و در جای دیگر به توضیح «ایدئالیسم» در سیاست خود می‌پردازد «آنچه امروز آرمانی است، فردا به واقعیت بدل می‌شود. سیاست آرمانی آنست که آنچه را که برای فردا یا برای سال آینده خوبست تشخیص دهد و خود را با آن هماهنگ سازد. مرد عمل، مردی که پای بند واقعیت است، از نوک بینی خود دورتر نمی‌بیند. چنین کسی همواره پایش لغزان است^۲».

۱ - نامه نهرو به رؤسای محلی حزب کنگره. متن انتشار یافته در اندیا گرام (نشریه سفارت هند در پاریس) شماره ۸ ژوئیه ۱۹۵۴ - ۲ - نطق نهرو در مجلس عوام هند - ۹ مارس ۱۹۵۰



جواھر لعل نہرو
رئیس دولت ہند

سیاست هند دارای دو خصیصه بارز و کلی است: یکی بیطرفی مثبت یا بعبارت دقیق‌تر « بیرون از صف آرائی^۱ » و دیگری ضدیت با استعمار. در باره مشی^۲ « بیرون از صف آرائی »، نهر و بارها سخن گفته است، می‌گوید « پیوستن به صف چنین معنی می‌دهد که ما ناگزیر خواهیم بود با سیاست کشورهای دیگر پیوند کنیم و از آمیال و تصمیم‌های آنها پیروی نماییم. کشوری که بدینگونه به کشور دیگر وابسته شود، کشوری اسیر می‌گردد و روز بروز برایش مشکل‌تر می‌شود که خود را از آن قید و بند‌ها رهایی بخشد... ». سپس به توجیه سیاست « میانه »، سیاست بیطرفی می‌پردازد « دو قدرت بزرگ روبروی هم قرار گرفته و صف آرائی کرده‌اند. هیچ‌یک از این دو نیرو قادر نیست که دیگری را چه در زمان صلح و چه در جنگ، وادار به تسلیم کند. پس چاره چیست؟ می‌توان گفت که همزیستی مسالمت‌آمیز در میان کشورها امکان‌ناپذیر نیست. باید واقعیات را همانگونه که هستند دید، بی آنکه کوششی بکار برده شود تا آنها را از بیخ و بن تغییر دهد. و گرنه، اگر معتقدشویم که همزیستی مسالمت‌آمیز ناممکن است، پس به شکست خود اعتراف کرده ایم؛ زیرا تنها راهی که باقی می‌ماند جنگ است، و جنگ راهی نیست که بتوان در پیش گرفت^۳ ». می‌بینیم که هند از پیوستن به صف احتراز دارد؛ چه از یکسو از « اسارت سیاسی » می‌پرهیزد و از سوی دیگر این امر را خطرناک می‌داند و نمی‌خواهد که هیزم کش‌آتش جنگ گردد. پس بنظر او باید در حصول همزیستی مسالمت‌آمیز کوشید. همزیستی مسالمت‌آمیز از نظر هند اینست « هیچ کشوری نباید در امور مربوط به کشورهای دیگر دخالت کند. نباید بکوشد تا عقیده خود را و آئین سیاسی و اقتصادی خود را بر کشورهای دیگر تحمیل نماید ». نباید تصور کرد که هند در مشی^۴ « بیرون از صف آرائی » خود قصد دارد که در انزوا بماند، نه. نهر و عقیده دارد که « هیچ کشوری نمی‌تواند در عزلت زندگی کند ». هند از هر سیاست، یا جزئی از سیاستی که مورد موافقت اوست، پشتیبانی می‌نماید، بی آنکه از قبل خود را بدان وابسته کرده باشد. از طرف دیگر، سیاست « بیرون از صف آرائی »

سیاستی منفی یا مبین خودگی و تسلیم نیست. این نکته در اعلامیه نهائی گفت و شنود نهر و تیتو، مورخ ۲۶ دسامبر ۱۹۵۴، بهنگام دیدار تیتو از هند تصریح گردیده «رئیس جمهور یوگسلاوی و نخست وزیر هند بتأکید می گویند که «سیاست بیرون از صف آرائی که کشور آنها در پیش گرفته است، مبتنی بر بیطرفی و عدم جانبداری نیست، بلکه سیاستی مثبت و فعال است که هدف خود را حفظ صلح عمومی قرار داده است، زیرا در واقع صلح است که اساس امنیت و عافیت همگانی است.»

هند سیاست «بیرون از صف آرائی» را بمنظور صیانت صلح در پیش گرفته است و در اجرای آن گاه به روش امتناع و گاه به روش اقدام رفتار میکند. به اتحادیه های نظامی نمی پیوندد، زیرا آنها را زیان آور می داند؛ بنظر نخست وزیر هند «صلح را باید با شیوای صلح آمیز برقرار داشت، صلحی که با تهدید نگاهداری گردد، نا استوار است» یا «اگر ما طالب صلحیم، نباید کرد کارهایی بگردیم، که محیط را برای جنگ آماده می کنند»^۱. نهر و می بیند که جهان در زیر بار سنگینی از بدگمانی و بیم و کینه رنج می کشد، بنابراین سیاست هند در وجه منفی و امتناعی خود بر آنست که از هر اقدامی که بروخامت وضع بیفزاید، احتراز جوید. در وجه مثبت خود، برعکس، سیاست هند با اقدام می پردازد. نخست وزیر هند، در یکی از کنفرانس های مطبوعاتی خود، در پاسخ روزنامه نگاری، جنبه مثبت سیاست خود را چنین توضیح کرد «بیطرفی منفی، چنانکه خود کلمه نیز می نماید، روشی منفی است؛ یعنی روی بر تافتن از مشکلات و سرباز زدن از برخورد با آنها. مادر پی آن نیستیم که از مشکلات روی برتابیم؛ بلکه می کوشیم که آنها را دریابیم، با آنها روبرو گردیم و گاه بگناه، تا حد امکان، نفوذ خود را در حل آنها بکار بریم^۲...»

کوششهای هند در این زمینه به ایجاد تفاهم بیشتری در میان شرق و غرب و نبرد با عواملی که صلح جهان را می آشفته اند معطوف بوده است.

مساعی هند در پایان دادن بجنگ کره از یاد هیچ کس نرفته است. در ماجرای

۱ - خطابه نهر و در جامعه روزنامه نگاران هندی - ۹ سپتامبر ۱۹۵۴

۲ - کنفرانس مطبوعاتی نهر و - ۱۱ مه ۱۹۴۹

کره، گرچه دولت هند در آغاز در کنار غرب جای گرفت، لیکن پس از آنکه قوای ملل متحد خواست از مدار سی و هشت بگذرد و خاک کره شمالی را اشغال کند، با تصمیم او مخالفت ورزید. از آن پس، هند واسطه میان دو گروه متخاصم قرار گرفت و کوشید تا آرامش را به سرزمین کره باز گرداند. جواهر لعل نهرو خود به رئیس دولت اتحاد جماهیر شوروی و وزیر امور خارجه ایالات متحده نامه‌ای نوشت و از آن دو خواست تانفوذ خود را در پایان دادن بجننگ بکابرند. از طرف دیگر سفیر هند در پکن در این باره جهد بسیار کرد. پس از آنکه بر سر آتش بس توافق گردید، هند قبول کرد که در هیئت نظارت بر بازگرداندن زندانیان، شرکت جوید. ریاست هیئت نیز با او واگذار شد و او مأموریت خود را با کامیابی بی پایان رسانید.

همچنین، کوشش هند کمک مؤثری به استقرار آرامش در هند و چین کرد. در آغاز سال ۱۹۵۴ نبرد در هند و چین به مرحله خطرناکی رسیده بود. بیم آن می‌رفت که نائره جنگ سراسر خاور دور را در کام خود کشد و یا آنرا به جنگ جهانی‌ای بدل سازد. در آن هنگام نخست وزیر هند احساس نگرانی خود را بر زبان آورد. در روز ۲۲ فوریه ۱۹۵۴، در پارلمان هند، ضمن پیامی از دولت‌های جنگنده خواست که دست از نبرد باز دارند. و نیز در ۲۴ آوریل، یعنی دو روز قبل از افتتاح کنفرانس ژنو درباره هند و چین، بازخطابه دیگری خواند و در آن طرح شش ماده‌ای خود را برای حل مسئله هند و چین پیشنهاد کرد. گذشته از این، پس از تشکیل کنفرانس، کریشنا منون را از جانب خود به ژنو فرستاد تا طرفین مذاکره را در حصول موافقت یاری کند. سعی منون در اینراه بسیار مؤثر واقع شد.

نهرو خاتمه جنگ الجزایر را نیز بارها آرزو کرده است. هند، هیچگاه از یادآوری وحشت سلاح‌های اتمی غفلت نورزیده و چه در داخل سازمان ملل، و چه در خارج، همواره مدافع پرشور منع آزمایشهای اتمی و هیدرژنی بوده است.

گفتیم که یکی دیگر از خصیصه‌های سیاست هند ضد استعماری بودن است. هند، خود از استعمار شاید بیش از هر کشور دیگری رنج کشیده و آنرا بهر عنوان و بهر صورتی باشد، چه اقتصادی و چه اجتماعی و چه سیاسی، محکوم می‌کند.

بنظر هند، استعمار نه تنها نطفه جنگ و نفاق رami پروراند، بلکه ضد اخلاق و انسانیت است و با آرمان و اصول سیاست او مغایرت دارد. نهرو بهنگام دفاع از استقلال اندونزی گفت « هند باید از بعضی آرمانهای بزرگ پشتیبانی و دفاع نماید، بی آنکه اعتنا داشته باشد که چنین رفتاری به مذاق سران بعضی کشورها خوش خواهد آمد یا نه ». هند از همان آغاز استقلال خود، بر آن بود که کشورهای استعمارزده را در کسب آزادی کمک نماید. در مورد اندونزی، کنفرانسی از نمایندگان کشورهای آسیائی در ژانویه ۱۹۴۹ در دهلی نو تشکیل داد. در این کنفرانس استقلال اندونزی مورد پشتیبانی قرار گرفت و اقدام های نظامی هلند تقبیح گردید. در سازمان ملل نیز نماینده هند دفاع ملت اندونزی را بعهدہ گرفت. کوشش هند در این راه بحدی بود که مردم اندونزی نهرو را « پدر روحانی ملت اندونزی خواندند. »

هند بی آنکه داعیه رهبری آسیا را داشته باشد همواره بزرگترین ترخان و مدافع آن بوده است. هند معتقد است که آسیا باید خود سرنوشت خود را در دست گیرد. نهرو می گوید « تا زمانیکه مسائل اساسی آسیا حل نگردیده است، صلح در جهان نخواهد بود ». طی چندین قرن در گذشته، مسائل آسیا در خارج از آسیا حل گردیده است و دیگر نباید این وضع ادامه یابد.

بمنظور کوشش در برقراری این « تعادل و توازن » و ایجاد هم آهنگی و همکاری بود که کنفرانس باندونگ تشکیل گردید و هند یکی از بانیدان آن بود. در آوریل ۱۹۵۵ در شهر باندونگ اندونزی، بیست و نه کشور آسیائی و افریقائی که نماینده بیش از یک میلیارد نفوس بودند، گرد هم آمدند، در اعلامیه نهائی کنفرانس باصولی اشاره گردیده است که در نزد هندیان عزیز است: ضدیت با استعمار بهر صورت و در هر جامه ای که باشد، احترام به آزادی و حقوق انسانی، برابری نژادی، عدم همکاری با سیستم های دفاعی دسته جمعی که بمنظور حفظ منافع قدرت های بزرگ بوجود آیند. گذشته از عوامل تاریخی و جغرافیائی و اجتماعی، دین هندوی نیز در تعیین مشی سیاسی هند تأثیر فراوان داشته است. دین هندوی که قسمت اعظم مردم هند پیرو آنند، هر گونه قدرتی را بد می داند، زیرا معتقد است که بکار بردن آن نتایج

بد بیمار خواهد آورد. گاندی، چه در شیوه زندگی خود و چه در تعلیمات و آثار خود، از آئین هندوی الهام می گرفت و او بود که طی سی سال رهبری مردم هند، تأثیر عمیقی در سیاست آن کشور گذارد. فلسفه گاندی که عدم توسل بقهر و مقاومت منفی بود با کسب استقلال و مرگ او از میان رفت، سیاست کنونی هند نیز از همان فلسفه سیراب می شود: دو گروه سیاسی امروز بر زور تکیه می کنند، زور به هر نحو که باشد بد است؛ بنابراین باید از همکاری با آنها احتراز جست و در برابر بدی مقاومت ورزید. در واقع تجلی همان فلسفه است که بر سیاست اخلاقی و آرمانی هند افتاده و آنها را از ایمان به صلح طلبی و بی آزاری، از ایمان به دموکراسی و برابری و برادری بارور کرده است. گاندی می گوید «آئین عشق کامل، آئین هستی من است». چکیده فلسفه گاندی اینست «نبرد دائمی برای دفاع از خوبی بر ضد بدی». باز گاندی می گوید «مذهب من حد جغرافیائی ندارد، این عشق بی وطن و بی انتها، و این سلطنت نیکی که باید بر سراسر جهان گسترده شود، همانست که ریشه باستانی و پیچ در پیچ و عمیق در عرفان مشرق زمین دارد: این وطن مصر و عراق و شام نیست... یا بنی آدم اعضای یکدیگرند...

یکی دیگر از مشخصات فلسفه گاندی اصلی است که می توان آنها را «منزه بودن روش» نامید. بنظر او هدف خوب وسیله بد را تبرئه نمی کند. «کار بد نباید کرده شود، حتی اگر موقه نتیجه خوبی بیمار آورد؛ زیرا بزودی آثار آن ظاهر خواهد شد و بدی بیشتری پدید خواهد آورد». هر چند بدبختانه، بین اصول اخلاقی و واقعیات زندگی سیاسی فاصله درازی است؛ با اینهمه می توان گفت که هندو سیاست او هنوز تا دیرزمانی از تعالیم گاندی متأثر خواهند بود. جواهر لعل نهرو و همکارانش که باید این تعالیم را با ضروریات زندگی امروز تطبیق دهند، وظیفه مشکلی بر عهده دارند. لیکن نهرو از بوته آزمایشها سرفراز بیرون آمده است. در دنیای امروز هیچ کس دیگر نیست که مانند او مورد قبول و احترام شرق و غرب باشد. چون نهرو حرف میزند مردم سراسر جهان با ارادت و ادب گوش می دهند. کمتر مردی را میتوان یافت که در فرزاندگی و بزرگواریش تا این حد اتفاق نظر بوده باشد. محمدعلی اسلامی ندوشن